

تاریخ: ۱۳۹۵/۱۰/۱۴

کلاس پرونده: ۶۶/۹۳

شماره پرونده: ۳۳۸۳.....۹۰۹۹۸۰۹۳۰+۹۳

شماره بایگانی:

پیوست:



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دبیرخانه شورای نگهبان

۹۵/۱۲/۴۰۷۴

شماره ثبت:

تاریخ ثبت:

ساعت ورود:

۱۳۹۵/۱۰/۲۲  
کد پرونده: ۳۳۸۳.....۹۰۹۹۸۰۹۳۰+۹۳  
مکتوب محترم کل دبیرخانه شورای نگهبان

با اهداء سلام:

بازگشت به نامه شماره ۹۳/۱۰۲/۳۳۲۳ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۷ به پیوست تصویر دادنامه

شماره ۷۲۹ الی ۷۳۷ مورخ ۱۳۹۵/۰۹/۳۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری جهت اطلاع و

اقدام مقتضی ارسال می شود.

دفتر هیات عمومی دیوان عدالت اداری  
مهر و امضاء  
[Signature]

ز. ص. م.



تاریخ: ۱۳۸۸

شماره:

پیوست:

## فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

### دادنامه

بسم الله الرحمن الرحيم

شماره دادنامه: ۷۲۹ الی ۷۳۷

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۵/۹/۲۳

کلاس پرونده: ۴۴۷/۹۳، ۱۰۶۶/۹۲، ۲۷۵/۹۲، ۲۹۳/۹۳، ۷۱۹/۹۳، ۶۲۵/۹۳، ۶۶/۹۳، ۱۷۴/۹۳، ۷۴۲/۹۲

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شکات: ۱- شرکت صنایع بسته بندی و انجماد گوشت تکل طلایی با وکالت آقای علی اکبر شاه نظری

۲- شرکت دارو شیشه با وکالت آقای باقر شاملو ۳- شرکت فرساوند و اکسیرسازان توانا ۴- شرکت

فراسوجام پارس (سهامی خاص) ۵- شرکت عمران سازی مهتاب با وکالت خانم بیتا فتحعلیان ۶- شرکت

رایان فن گستر دیزل ۷- شرکت تبادل گستر جاوید سروش با وکالت آقای سعید رزمجو ۸- شرکت شیما

وحدت با وکالت آقای علیرضا وحدت نژاد

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بندهای الف و ب بخشنامه شماره ۹۲/۱۶۲۴۶-۱۳۹۲/۱/۲۶، بند یک و

ردیف ۱-۱ بخشنامه شماره ۹۲/۱۲۹۰۷۵-۱۳۹۲/۵/۱ و مواد ۱ و ۲ بخشنامه شماره ۶۰/۱۰۱۵-۶۰/۱۰۱۵

۱۳۹۲/۹/۱۶ و بند ب شماره ۶۰/۱۰۰۶-۱۳۹۲/۴/۹ بانک مرکزی ناظر بر پرداخت مابه التفاوت نرخ ارز

مرجع و مبادله ای توسط واردکنندگان کالا

گردش کار: شکات به موجب دادخواستهای تقدیمی ابطال بندهای الف و ب بخشنامه شماره

۹۲/۱۶۲۴۶-۱۳۹۲/۱/۲۶، بند یک و ردیف ۱-۱ بخشنامه شماره ۹۲/۱۲۹۰۷۵-۱۳۹۲/۵/۱ و مواد ۱ و ۲

بخشنامه شماره ۶۰/۱۰۱۵-۱۳۹۲/۹/۱۶ و بند ب شماره ۶۰/۱۰۰۶-۱۳۹۲/۴/۹ بانک مرکزی ناظر بر

آدرس: تهران بزرگراه شهید ستاری بلوار شهید مخبری نبش خیابان ایران زمین



تاریخ: ۱۳۸۸

شماره: ۵

پیوست: ۱

## فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

### دادنامه

پرداخت مابه التفاوت نرخ ارز مرجع و مبادله ای توسط واردکنندگان کالا را به علت مغایرت با قانون و شرع مقدس اسلام درخواست کرده اند.

متن بخشنامه های مورد اعتراض به قرار زیر است:

" بند ب بخشنامه ۶۰/۱۰۰۶-۱۳۹۲/۴/۹:

ب) در صورت عدم ترخیص کالای مربوطه و یا ترخیص آن بعد از ۱۳۹۱/۱۲/۳، می بایستی ارز مورد نیاز حسب اولویت گروه کالایی به نرخ مرجع اعلامی از سوی بانک مرکزی و یا به نرخ مورد معامله در مرکز مبادلات ارزی تامین شود. در مورد گروه کالایی با اولویت ۱۰ تامین ارز صرفاً از محل ارز متقاضی خواهد بود.

بندهای الف و ب بخشنامه ۹۲/۱۶۲۴۶-۱۳۹۲/۱/۲۶:

الف) چنانچه ارز کالاهای مذکور به نرخ مرجع تامین شده، لیکن کد تخصیص ارز دریافت نگردیده و کالا نیز از گمرک ترخیص نشده است، ارائه تقاضای صدور گواهی ثبت آماری از سوی بانکها با نرخ مرجع مقدور نبوده و در این راستا بانکها می توانند درخواست مورد بحث را با نرخ مبادله ای به اداره نظارت ارز ارسال نمایند تا پس از اخذ کد تخصیص ارز، نسبت به ترخیص کالا اقدام گردد.

ب) در صورتی که ارز کالاهای مذکور به نرخ مرجع تامین و کد تخصیص نیز دریافت شده، لیکن کالای مربوطه ترخیص نگردیده است، در این گونه موارد گواهی های ثبت آماری صادره به نرخ مرجع ابطال شده تلقی گردیده و بانکها می توانند همانند جزء الف درخواست مورد بحث را با نرخ مبادله ای به اداره نظارت ارز ارسال نمایند تا پس از اخذ کد تخصیص ارز، نسبت به ترخیص کالا اقدام گردد.

بند ۱ و ردیف ۱-۱ بخشنامه ۹۲/۱۲۹۰۷۵-۱۳۹۲/۵/۱:

۱- با توجه به ابلاغ قانون بودجه سال ۱۳۹۲ و ضرورت استفاده از نرخ روزانه بانک مرکزی جهت واردات کالا و خدمات، کلیه ثبت سفارشات که ارز آنها بیشتر از سوی این بانک تامین شده (فروخته شده)، لیکن کالای مربوطه

آدرس: تهران بزرگراه شهید ستاری بلوار شهید مخیری نبش خیابان ایران زمین

مهر و امضاء  
رئیس هیئت مدیره  
دیوان عدالت اداری  
۱۳۹۲/۱۰/۱۵

## فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

### دادنامه

ترخیص نگرديده (اعم از کالاهای اساسی، دارو، مواد اولیه دارویی، تجهیزات پزشکی و ...)، صدور کد تخصیص ارز به نرخ مرجع برای آنها مقدور نبوده و کدهای صادره قبلی به نرخ مزبور (مرجع) نیز ابطال شده تلقی می گردد، از این رو بانکها به منظور اخذ کد تخصیص ارز با نرخ روزانه بانک مرکزی و ایجاد شرایط لازم جهت ترخیص کالا می توانند با رعایت موارد ذیل نسبت به پرداخت مابه التفاوت نرخ مرجع تا نرخ روزانه این بانک در تاریخ تایید گواهی ثبت آماري (ارائه کد تخصیص ارز) مبادرت نمایند.

۱-۱) تاریخ مورد اعمال جهت اخذ مابه التفاوت مورد بحث بابت واردات برنج، تاریخ صدور نامه عمومی شماره ۹۱/۳۲۵۴۹۱-۱۳۹۱/۱۲/۲، در مورد کالاهای کره، شکر، گوشت قرمز، دام زنده (طبق تعرفه های اعلام شده) دارو، مواد اولیه دارویی، شیر خشک، تجهیزات و ملزومات پزشکی، گوشت مرغ، روغن نباتی خام و دانه های روغنی، تاریخ های مندرج در نامه های عمومی شماره ۹۲/۱۶۲۴۶-۱۳۹۲/۱/۲۶ و ۹۲/۲۲۷۷۰-۱۳۹۲/۲/۲۰ و در سایر موارد تاریخ های مورد اشاره در بخشنامه ها و نامه های عمومی اداره سیاستها و مقررات ارزی خواهد بود.

مواد ۱ و ۲ بخشنامه شماره ۶۰/۱۰۱۵-۱۳۹۲/۹/۱۶:

ماده ۱- کالاهایی که تا تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۳ ترخیص شده اند متناسب با واریز معادل ریالی قبل از ۱۳۹۱/۵/۳، نرخ حواله، اعتبار/برات اسنادی مربوطه (اعم از اعتبارات/ بروات اسنادی دیداری، مدت دار و تسهیلات کوتاه مدت حداکثر یکساله) ملاک تسویه ریالی با مشتری می باشد و متناسب با واریز معادل ریالی از ۱۳۹۱/۵/۳ به بعد، مشمول نرخ ارز مربوط به واردات کالای مزبور در تاریخ ترخیص، خواهد بود.

ماده ۲- برای کالاهایی که بعد از تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۳ لغایت پایان سال ۱۳۹۱ ترخیص شده اند، نرخ ارز مربوط به واردات کالای مزبور در تاریخ ترخیص ملاک تسویه بوده و برای مواردی که ترخیص کالا از ابتدای سال جاری لغایت ۱۳۹۲/۴/۱۱ صورت گرفته، نرخ مبادله ای و پس از آن نرخ روزانه اعلامی از سوی این بانک ملاک تسویه ریالی با مشتری می باشد. در مورد گروه کالایی با اولویت ۱۰، تامین ارز مربوطه صرفاً از محل ارز متقاضی مجاز



## فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

### دادنامه

است.

در پاسخ به شکایات مذکور، معاون ارزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به موجب لایحه شماره

۱۳۹۳/۱۱/۱-۹۳/۲۹۱۳۷۱ اعلام کرده است که:

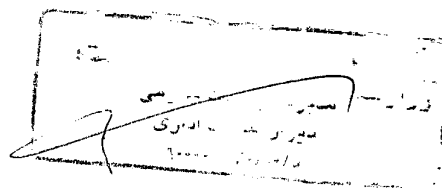
" ریاست محترم دیوان عدالت اداری

سلام علیکم:

۱- به موجب قانون تشکیل دیوان عدالت اداری شاکی باید مغایرت مصوبه مورد شکایت را با قانون بیان و اعلام نماید. در هیچ یک از شکایات مربوطه، مغایرت مصوبات مورد شکایت با قوانین بانکی و قوانین ناظر بر ارز و قیمت گذاری ارز بیان نشده است.

۲- استناد شکات به قاعده عطف به ما سبق نشدن قانون یا به عبارت دیگر به ماده ۴ قانون مدنی، ناظر به قوانین است نه تصویب نامه و مصوبه دیگری که وصف قانون ندارد. هر چند در مصوبات عطف به ماسبق انجام نگرفته است.

۳- استناد به ماده ۳۴۴ قانون مدنی که ناظر بر عقد بیع می باشد در خصوص معاملات ارزی به اعتبار اینکه زمان تعلق ارز زمان گشایش اعتبار نیست بلکه زمان پرداخت به ذی نفع خارجی برای ترخیص کالا پس از رسیدن اوراق حمل به بانک عامل می باشد، بنابراین عقد بیع به تعریف مذکور در قانون مدنی به صورت ایجاب و قبول در لحظه معین واقع نمی شود بلکه بیان اراده بر تعلق قیمت در روز پرداخت است. این امر در کلیه شیوه های پرداخت اعم از حواله، گشایش اعتبار اسنادی و ثبت برای اسنادی حاکم است. در نتیجه تخصیص ارز از طرف بانک مرکزی به معنای تحقق معامله نیست بلکه به معنای پذیرش تعهد برای پرداخت در سررسید است کما اینکه اگر بیع باشد باید ارز در اختیار مشتری قرار گیرد و مشتری در آن دخل و تصرف کند. آیا در شیوه های گوناگون فروش ارز اعم از حواله، گشایش اعتبار یا ثبت برات، در زمان گشایش یا حواله یا ثبت برات، ارزی در اختیار مشتری قرار می گیرد و مشتری



## فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

### دادنامه

حق تصرفی در آن پیدا می کند؟ مگر از خاصیت عقد بیع وجوب تصرف مشتری در مبیع نیست؟ مگر نباید مبیع در اختیار مشتری قرار گیرد و به تصرف وی داده شود؟ در فروش ارز هر چند از عنوان فروش استفاده می شود ولی عملاً فروش واقع نمی گردد بلکه تخصیص ارز حاصل می شود و بانک متعهد می گردد تا در سررسید یا وصول کالا ارز را به ذی نفع متقاضی گشایش (فروشنده) پرداخت نماید. پس معلوم است که اساساً ارکان ماده ۳۴۴ در خصوص ارز حاکمیت ندارد و چون ارز به موجب مقررات قانونی انحصاراً به وسیله بانک مرکزی باید مدیریت شود، واگذاری ارز انجام می گیرد و مابه ازای واگذاری هم دریافت نرخ ارز در روز تسویه و ترخیص است بنابراین ادعای عدم رعایت ماده ۳۴۴ اساساً قابل تصور نیست.

۴- به علت شرایط خاص اقتصادی کشور و به علت جهش نرخ ارز و آثار اقتصادی حاصل از آن به موجب بند ۳ مصوبه مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۰ کارگروه اقتصادی ستاد تدابیر ویژه اقتصادی که به تایید رئیس جمهور وقت رسیده است، مقرر شده است: «... نسبت به تسویه حساب ارز واردکنندگان با نظام بانکی به گونه ای اقدام شود که نرخ ارز مرکز مبادله برای کلیه کالاهایی (از اولویت اول تا نهم) که هنوز ترخیص نشده و در حال ترخیص می باشند مبنای تسویه حساب قرار گیرد.» بنابراین به علت تغییر ناگهانی قیمت ارز از ۱۲۲۶۰ ریال هر دلار به حدود ۲۴۵۰۰ ریال با نوسانات مربوطه و با توجه به ماده ۱۴ قانون امور گمرکی که شرط محاسبه حقوق ورودی و حقوق دولتی و مالیات برای کالاهای وارداتی، تعیین قیمت ارز به نرخ روز ترخیص می باشد، لزوماً کالا باید به نرخ روز ترخیص، برابری ارز گشایش یافته آن با ریال تعیین و اعلام شود. پس این اقدام عطف به ماسبق کردن نیست بلکه اجرای قانون است و قانونگذار ترخیص کالا را منوط به پرداخت حقوق دولت به نرخ روز ترخیص کرده است.

۵- بانک مرکزی در بخشنامه های مربوط مورد شکایت فقط به وظیفه قانونی خود در رابطه با اعلام نرخ ارز و انجام تسویه حساب بر اساس نرخ ارز در روز ترخیص عمل کرده است. این اقدام هم مطابق شرایط فوق الذکر تکلیف بانک

## فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

### دادنامه

مرکزی است و از این حیث اگر اقدام دیگری می شد به علت جهش قیمت به منزله آن است که کالا کمتر از نرخ روز ترخیص، از گمرک ترخیص شود ولی به قیمت روز ترخیص فروخته شود و این یعنی رانت.

۶- به موجب مقررات قانونی از جمله بند ۲-۳ قانون بودجه سال ۱۳۹۲ که مقرر می دارد «... و با فروش ارز به نرخ واحد برای کلیه مصارف...» و بند ۱۴۶ آن که مقرر می دارد: «این قانون از ۱/۱/۱۳۹۲ لازم الاجراست» و اینکه فروش بر اساس الزامات بانک مرکزی به معنای تحویل ارز به ذی نفع حواله، اعتبار/ برات اسنادی است، که پس از ترخیص محقق می گردد لامحاله باید قیمت سال ۱۳۹۲ که مبنای آن قیمت مبادله ایست اخذ گردد و این وجه هم تحت عنوان مابه التفاوت نرخ ارز به عنوان درآمد عمومی قلمداد شده است و کلاً به خزانه واریز گردیده و یک ریال از مابه التفاوت قیمت ارز ناشی از افزایش قیمت ارز مرجع به مبادله ای در اختیار بانک مرکزی قرار نگرفته است و قرار نخواهد گرفت چون به موجب قانون از منابع درآمد عمومی و درآمد خزانه بوده و باید به مصرف هزینه های عمومی کشور برسد.

۷- در بخشنامه شماره ۶۰/۱۰۳۸-۶۰/۱۲/۳-۱۳۹۲ اساساً اعلام نشده است که قیمت روز ترخیص چه میزانی است تا به استناد آن ادعای عطف به ماسبق شدن مصوبات بعدی گردد و چون در هر حال و به طور کلی معیار و ملاک محاسبه، قیمت روز ترخیص است نه روز گشایش یا انجام حواله یا ثبت برات، بلکه اقدامات مذکور فقط از نظر بانک مرکزی الزام و تعهد بانک به پرداخت میزان معین ارز مورد تقاضا به ذی نفع خارجی است.

جهت مزید استحضار به پیوست اسناد حواله های مربوط به شکات که جملگی ترخیص کالای آنها بر اساس قیمت روز ارز و قیمت مبادله ای انجام گرفته است و هیچ ارتباطی با بخشنامه ۶۰/۱۰۳۸-۶۰/۱۲/۳-۱۳۹۲ ندارد و ادعای خلاف واقع نموده اند تقدیم می شود مضافاً بر اینکه چند فرم گشایش اعتبار اسنادی هم که بیانگر عدم تعیین قیمت ارز در زمان گشایش می باشد ضمیمه است، همچنین با توجه به حساسیت و شرایط خاص قیمت گذاری ارز و تاثیر آن بر اقتصاد کشور، ضرورت دارد اینجانب و مدیران ذی ربط برای ادای توضیح در جلسه رسیدگی حضور داشته

## فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

### دادنامه

باشیم بدین لحاظ خواهشمند است نسبت به دعوت اینجانب و مدیران ذی ربط دستور لازم را صادر فرمایند.

در خصوص ادعای مغایرت بخشنامه های مذکور با شرع مقدس اسلام، ۲ نامه از شورای نگهبان واصل شده که به قرار زیر است:

" الف: نامه شماره ۱۳۹۳/۱۰/۲۷-۹۳/۱۰۲/۳۳۲۳ قائم مقام دبیر شورای نگهبان:

موضوع بند یک و ردیف ۱-۱ بخشنامه شماره ۱۳۹۲/۵/۱-۹۲/۱۲۹۰۷۵ بانک مرکزی، در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۱ فقهای معظم شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر فقهاء به شرح ذیل اعلام می گردد:

«در صورتی که در قرارداد اولیه قید نشده باشد که مابه التفاوت را در موقع ترخیص بپردازند، خلاف موازین شرع می باشد.»

ب: نامه شماره ۱۳۹۳/۱۰/۲۸-۹۳/۱۰۰/۳۳۳۷ دبیر شورای نگهبان:

موضوع بند ب بخشنامه شماره ۱۳۹۲/۴/۹-۱۰۰۶/۶۰ و بند الف و ب بخشنامه شماره ۱۳۹۲/۱/۲۶/۱۶۲۴۶/۹۲ و بند ۱ بخشنامه شماره ۱۳۹۲/۵/۱-۱۲۹۰۷۵/۹۲ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۴ فقهای معظم شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر فقهاء به شرح ذیل اعلام می گردد:

« با توجه به اینکه شاکی (شرکت دار و شیشه) در بند اول تعهدنامه به بانک عامل، هرگونه تغییر و نوسان در نرخ ارز را که بر اساس مقررات بانک مرکزی ایجاد شود قبول و تایید نموده و ملزم به پرداخت هم ارز ریالی آن شده است و بخشنامه مورد شکایت مآلاً به آن بر می گردد، لذا دستورالعمل مذکور خلاف موازین شرع شناخته نشد.»

رئیس وقت دیوان عدالت اداری با توجه به دو نظریه مذکور فقهای شورای نگهبان، طی نامه شماره ۱۳۸۴/۱۰/۲۱-۹۰۰/۲۱۰/۱۶۳۰۵۲/۲۰۰ از دبیر شورای نگهبان پرسشی مطرح می کند که متن آن به شرح

زیر است:





تاریخ: ۱۳۸۰

شماره:

پیوست:

## فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

دادنامه

" حضرت آیت الله جنتی (دامت برکاته)

دبیر محترم شورای نگهبان

با سلام و تحیت

بازگشت به نامه های شماره ۱۳۹۳/۱۰/۲۷-۹۳/۱۰۲/۳۳۲۳ و ۱۳۹۳/۱۰/۲۸-۹۳/۱۰۰/۳۳۳۷ و نظر به اینکه ابطال بند ۱ و ردیف ۱/۱ بخشنامه شماره ۹۲/۱۲۹۰۷۵-۱۳۹۲/۵/۱ و بند (ب) بخشنامه شماره ۶۰/۱۰۰۶-۱۳۹۲/۴/۹ و بند (الف و ب) بخشنامه شماره ۱۶۲۴۶/۹۲-۱۳۹۲/۱/۲۶ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران درخواست شده است و حضرت تعالی نظر فقهای محترم شورای نگهبان نسبت به بخشنامه های موضوع شکایت را بر اساس قراردادهای تهیه شده مبتنی بر بخشنامه های مذکور اعلام فرموده اید و این در حالی است که هیأت عمومی دیوان عدالت اداری صرفاً مغایرت مصوبات با شرع یا قانون و یا خروج از حدود اختیارات را مورد بررسی قرار می دهد و اینکه بر مبنای بخشنامه ها چه قراردادهایی تنظیم می شود محل بحث نیست و لذا خواهشمند است با توجه به مراتب فوق اعلام فرمایید بخشنامه های مذکور بالذات مغایرت شرع مقدس اسلام هست یا خیر؟ "

قائم مقام محترم دبیر شورای نگهبان در پاسخ به نامه رئیس وقت دیوان عدالت اداری به موجب نامه شماره ۱۳۹۵/۵/۱۹-۹۵/۱۰۲/۱۸۵۰ می نویسد که:

" عطف به نامه شماره ۹۰۰۰/۲۱۰/۱۶۳۰۵۲/۲۰۰-۱۳۹۴/۱۰/۲۱:

موضوع ابطال بند ۱ ردیف ۱/۱ بخشنامه شماره ۹۲/۱۲۹۰۷۵-۱۳۹۲/۵/۱ و بند (ب) بخشنامه شماره ۶۰/۱۰۰۶-۱۳۹۲/۴/۹ و بند (الف و ب) بخشنامه شماره ۱۶۲۴۶/۹۲-۱۳۹۲/۱/۲۶ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، در جلسه مورخ ۱۳۹۵/۵/۱۳ فقهای معظم شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر فقهاء به شرح ذیل اعلام می گردد:

آدرس: تهران بزرگراه شهید ستاری بلوار شهید مخبری نبش خیابان ایران زمین

رئیس هیأت عمومی  
دیوان عدالت اداری  
۹۰۰۰۰۰۲۱۰/۱۰/۵

## فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

## دادنامه

در مورد بخشنامه های مذکور قبلاً اظهار نظر شده است و اینکه در نامه اخیر آن دیوان مرقوم گردیده که «چه قراردادهایی تنظیم می گردد محل بحث نیست» موجه نیست زیرا بخشنامه ها مشتمل بر احکام قراردادها است و بدون توجه به قراردادها اظهار نظر در خصوص آنها امکان پذیر نمی باشد. "

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۵/۹/۲۳ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

## رأی هیأت عمومی

قائم مقام دبیر شورای نگهبان به موجب نامه شماره ۱۳۹۳/۱۰/۲۷-۹۳/۱۰۲/۳۳۲۳ نظر فقهای شورای نگهبان در رابطه با بند یک و ردیف ۱-۱ بخشنامه شماره ۱۳۹۲/۵/۱-۹۲/۱۲۹۰۷۵ را به این شرح اعلام کرده است که: « در صورتی که در قرارداد اولیه قید نشده باشد که مابه التفاوت را در موقع ترخیص بپردازند، خلاف موازین شرع می باشد.» به موجب نامه دیگر شورای نگهبان به شماره ۹۳/۱۰۰/۳۳۳۷-۱۳۹۳/۱۰/۲۸ نظر فقهای شورا در ارتباط با بخشنامه پیش گفته موضوع نظریه قبلی و بند ب بخشنامه شماره ۶۰/۱۰۰۶-۱۳۹۲/۴/۹ و بندهای الف و ب بخشنامه شماره ۱۶۲۴۶/۹۲-۱۳۹۲/۱/۲۶ به این شرح اعلام شده است که: «با توجه به اینکه شاکی (شرکت دارو شیشه) در بند اول تعهد نامه به بانک عامل، هرگونه تغییر و نوسان در نرخ ارز را که بر اساس مقررات بانک مرکزی ایجاد شود قبول و تایید نموده و ملزم به پرداخت هم ارز ریالی آن شده است و بخشنامه مورد شکایت مآلاً به آن بر می گردد، لذا دستورالعمل مذکور خلاف موازین شرع شناخته نشد.» از مجموع ۲ نظر مذکور شورای نگهبان این حکم مستفاد می شود که اطلاق بخشنامه ها در قسمتهای مورد اعتراض در حدی که مفید الزام مشتریان بانکها به پرداخت مابه التفاوت نرخ ارز در فرضی که به هنگام مطالبه خدمت از

تاریخ: ۱۳۸۰

شماره: ۵

پیوست:



## فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

### دادنامه

بانک، مابه التفاوت نرخ ارز در زمان انعقاد قرارداد خرید خدمت و ایفای نهایی تعهد از سوی بانک را متعهد نشده اند و به موجب بخشنامه ها مکلف به پرداخت مابه التفاوت شده اند مغایر شرع است، بنابراین در اجرای تبصره ۲ ماده ۸۴ و ماده ۸۷ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ و تبعیت از نظر فقهای شورای نگهبان، اطلاق بخشنامه ها به شرحی که ذکر شد مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۱۳ و تبصره ۲ ماده ۸۴ و ماده ۸۸ قانون پیش گفته از تاریخ تصویب ابطال می شود.

محمد کاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

آدرس: تهران بزرگراه شهید ستاری بلوار شهید مخبري نیش خیابان ایران زمین

